**مسابقه تسلیحاتی در جهان سوم**

**ساجدی، محمد**

 بسمه تعالی‏ تشدید و بالا گرفتن تشنج در جهان و روند رویاروئی‏ بین قدرتها،همراه با مسابقه فزاینده تسلیحاتی در سطح‏ بین‏المللی به بزرگترین مانع برسر راه پیشرفتهای اقتصادی‏ در جهان تبدیل شده است و در این میان کشورهای درحال‏ توسعه نیز روزبه‏روز و هرچه بیشتر به صحنه مسابقه‏ تسلیحاتی کشیده می‏شوند.رویاروئی در حال گسترش بین‏ ابرقدرتها و مسابقه تسلیحاتی در سطوح جهانی و منطقه‏ای‏ منجر به بی‏ثباتی اوضاع بین‏المللی و بالا گرفتن خطر هسته‏ای گردیده است.

نمایش قدرت نظامی و بالا گرفتن نظامی‏گیری و توسعه سلاحهای پیشرفته بعنوان یک عامل منفی از پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در کشورهای تازه استقلال‏ یافته ممانعت بعمل می‏آورد.کشورهای درحال‏توسعه آسیا، افریقا و آمریکای لاتین که نیاز مبرمی به اصلاحات‏ اجتماعی،اقتصادی و غلبه بر عقب‏ماندگی،فقر،گرسنگی و بهبود روابط بین‏المللی دارند که با شرکت در سیستم کنونی‏ مسابقه تسلیحاتی بین‏المللی،توانائی خود را در انجام‏ برنامه‏های پیشرفت ملی محدود می‏کنند.

برپایه گزارش موسسه تحقیقات صلح بین‏المللی‏ استکهلم(سیپری)در 1982 هزینه‏های نظامی در جهان به‏ رقم نجومی 750 میلیارد دلار رسید.این مبلغ حدود 23 برابر هزینه‏های نظامی در جهان سالیانه به میزان 4 درصد بالا رفته‏ است.درحالیکه میزان رشد سالانه اقتصاد کشورهای بلوک‏ غرب فقط 5/1 درصد بوده است.

حوادث چند سال گذشته نشان داده است که با تشدید مسابقه تسلیحاتی بین قدرتهای بزرگ،کشورهای درحال‏ \*آمریکا تلاش می‏کند سطح تشنجات را در سراسر جهان‏ گسترش دهد و این استراتژی بین‏المللی مبتنی برکشیدن هرچه‏ بیشتر کشورهای درحال توسعه به ورطه مسابقه تسلیحاتی است

\*هم‏اکنون بیش از 50 جنگ منطقه‏ای در جهان‏ ادامه دارد و هزاران تن در جریان این جنگ‏ها جان‏ خود را از دست می‏دهند.

توسعه نیز هرچه بیشتر به نظامی‏گری کشانده شده‏اند که‏ این امر زمینه مساعدی را برای رویاروئی میان این کشورها فراهم کرده است.

مسابقه تسلیحاتی میان کشورهای درحال توسعه از اواسط دهه 1970 ابعاد وسیعتری بخود گرفت.

دولت آمریکا با ارائه تز«دفاع از منافع ملی و حیاتی» تلاش میکند با بهره‏برداری از عدم موازنه نیروها در جهان، به‏منظور دستیابی به اهداف جغرافیائی-سیاسی خود، اوضاع در کشورهای درحال توسعه را متشنج کند.

آمریکا اکنون به رویاروئی با تغییرات«نامطلوب»در کشورهای در حال‏توسعه پرداخته است و ادامه این‏ استراتژی رویاروئی آشکار در آسیا،افرقا و امریکای‏ لاتین منجر به گسترش تشنج در سراسر این مناطق گردیده‏ است.

درواقع آمریکا تلاش می‏کند سطح تشنجات را در سراسر جهان گسترش دهد و این استراتژی بین‏المللی مبتنی‏ برکشیدن هرچه بیشتر کشورهای درحال‏توسعه به ورطه‏ مسابقات تسلیحاتی است.

با توجه به استراتژی کل غرب و شرق از یکسو و مناقشات محلی در میان کشورهای درحال‏توسعه از سوی‏ دیگر،مسابقه تسلیحاتی در جهان سوم هرچه بیشتر شدید و محسوس گردیده و موجبات بی‏ثباتی روزافزون در روابط بین‏المللی و آثار بی‏ثباتی در میان کشورهای درحال‏ توسعه را فراهم کرده است.هرگاه در کره زمین صحبت از مناقشه میشود چشمان ما نخست بطرف کشورهای درحال‏ توسعه می‏چرخد.از پایان جنگ دوم جهانی تا سال 1982، 150 جنگ منطقه‏ای که در آن پیش از ده میلیون تن کشته‏ شده‏اند،ثبت گردیده است.

هم‏اکنون بیش از پنجاه جنگ منطقه‏ای در جهان ادامه‏ دارد که اکثر آنها در رابطه با جنبش‏های آزادیبخش ملی‏ می‏باشد و هزاران تن در جریان این جنگها جان خود را از دست میدهند.تحریک و ایجاد تشنج در میان کشورهای‏ عقب نگهداشته شده،نه تنها آنها را هرچه بیشتر به ورطه‏ جنگ کشانده بلکه بیش از همه موجب افزایش هزینه‏های‏ نظامی آنها گردیده است.

هزینه نظامی در کشورهای درحال‏توسعه(غیر از مصر،چین،آفریقای جنوبی اسرائیل)از 8/27 میلیارد دلار در 1970 به 125 میلیارد دلار در 1982 افزایش یافت. درحالیکه سهم کشورهای درحال توسعه در کل هزینه‏های‏ نظامی جهان در 1970 2/7 درصد بود، اکنون 9/5 درصد از تولید ناخالص ملی کشورهای درحال‏ توسعه صرف هزینه‏های نظامی میگردد و تعداد پانزده‏ میلیون نفر در ارتشهای این کشورها به کار مشغولند.این‏ رقم 60 درصد کل نفرات ارتشها در تمام کشورهای جهان‏ است.

از سوی دیگر اکنون 75 درصد از کل سلاحهای تولید شده جهان بسوی کشورهای درحال‏توسعه سرازیر میشود و مناطق قابل انفجار بیش از مناطق ناآرام دیگر،اسلحه دریافت می‏کنند.

مؤسسه تحقیقات صلح بین‏المللی استکهلم در 1983 طی گزارشی نوشت:بین سالهای 1978 تا 1982 هزینه‏های‏ صرف شده در جهت مقاصد نظامی در خاورمیانه 18 میلیارد دلار،در جنوب شرقی آسیا 12 میلیارد دلار،در جنوب آفریقا 8 میلیارد دلار،و در آمریکای لاتین 5/7 میلیارد دلار افزایش یافت.

مکانیسم بالا گرفتن مسابقه تسلیحاتی در کشورهای‏ درحال‏توسعه،همانند مسابقه تسلیحاتی بین قدرتهای‏ بزرگ،بدین‏گونه است که هرگاه گروهی از کشورهای‏ درحال‏توسعه به خرید وسائل و تجهیزات و سیستم‏های تازه‏ سلاحها اقدام می‏کنند کشورهای همسایه آنها نیز همین راه را دنبال مینمایند و درحال‏حاضر این روند،روبه شدت گذارده‏ است.

انباشته کردن هرچه بیشتر سلاحها و مسابقه در جمع‏ آوری کمی و کیفی آن هرروز در میان کشورهای درحال‏ توسعه ابعاد وسیعتری بخود میگیرد.برخی از کارشناسان‏ غربی اهمیت مسابقه تسلیحاتی را در میان کشورهای توسعه‏ نیافته ناچیز میشمارند و تأکید می‏کنند که هزینه‏های این‏ کشورها در جهت مقاصد نظامی،سهم کوچکی را در کل‏ مصارف نظامی،در مقایسه با کشورهای پیشرفته،دربر می‏گیرد.

اما واقعیت این است که با وجود عقب‏ماندگی،فقر و گرسنگی دارا بودن حتی یک درصد سهم در کل هزینه‏های‏ نظامی جهان نیز تأثیر مخربی بر اقتصاد کشورهای درحال‏ توسعه می‏گذارد.

و اگر این یک درصد که به حدود 5/7 میلیارد دلار بالغ‏ میشود در جهت مقاصد یاد شده صرف نمیشد فرصتهای‏ بیشتری را برای این کشورها در جهت حل مسائل دشوار اقتصادی و اجتماعی آنها فراهم میکرد.

برخی از ناظران غربی ادعا می‏کنند که کشورهای‏ درحال توسعه فقط سلاحهای غیرهسته‏ای تولید می‏کنند.اما حقیقت اینست که فاصله بین سلاحهای غیرهسته‏ای و \*هزینه‏ها نظامی در کشورهای درحال توسعه از 8/27 میلیارد دلار در سال 1970 به 125 میلیارد دلار در سال 1982 افزایش‏ یافت.

\*هفتاد و پنج درصد از کل سلاح‏های تولید شده در جهان بسوی کشورهای درحال توسعه سرازیر می‏شود.

هسته‏ای هرروز کاهش می‏یابد.برای مثال اگر سلاحهایی را که در جریان جنگ 1973 درخاورمیانه ظرف چند روز ویرانی عظیمی ببار آورد،با سلاح‏ها بکار رفته در جنگ‏ دوم جهانی مقایسه کنیم،معلوم می‏شود که هفته‏ها بطول‏ می‏انجامید که سلاح‏های قدیمی‏تر تا با چنین ابعادی ویرانی‏ ببار آورد.

در جریان جنگ 1973 اعراب و اسرائیل،نیروی هوائی‏ اسرائیل برای نابودی اهداف خود و وارد آوردن تلفات هرچه‏ بیشتر بر اعراب،از بمبهای ساچمه‏ای و موشکهای ضد رادار و آخرین وسائل شناسائی استفاده کرد.یادآوری میگردد در 1982 برای نخستین بار بمبهای فسفری و خوشه‏ای و توپهای مخصوص ساخت آمریکا علیه اهداف غیرنظامی در لبنان بکار گرفته شد.

بنابراین با تجربیات فوق سلاحهای باصطلاح قراردادی‏ عملا به سلاحهای شبه هسته‏ای که ظرفیت تخریبی آنها تنها اندکی کمتر از سلاحهای هسته‏ای است تبدیل شده‏اند.بالا گرفتن مسابقه تسلیحاتی در کشورهای درحال‏توسعه و گسترش جنگ‏های منطقه‏ای به چنان نقطه حساسی رسیده‏ است که ممکن است تعدادی از این کشورها به سلاحهای‏ هسته‏ای دسترسی پیدا کند.

مؤسسه بروکنیگز در آمریکا ادعا می‏کند که اکنون 15 کشور درحال‏توسعه ظرف چند سال آینده قادر خواهند بود سلاحهای هسته‏ای تولید کنند.علاوه‏برآن چندین کشور در جهان وجود دارند که در تلاش برای دستیابی به سلاحهای‏ هسته‏ای هستند.

در صورتیکه این کشورها به سلاحهای هسته‏ای دسترسی‏ پیدا کنند این امر عواقب خطرناکی درپی خواهد داشت و سیستم عدم گسترش سلاحهای هسته‏ای را برهم خواهد زد.

عواقب خطرناک تسلیحات نظامی

اینک به عواقب اجتماعی،اقتصادی مسابقه تسلیحاتی‏ نظر می‏افکنیم.

خرید اسلحه،فشار سنگینی را بر بودجه بسیاری از کشورهای درحال‏توسعه وارد می‏کند و موجبات رشد کاهش‏ بودجه را در موازنه پرداختها فراهم میسازد.در سال 1978 نیمی از کسری بودجه تمام کشورهای درحال‏توسعه ناشی‏ از مسابقه تسلیحاتی بود.

این گرایش با توجه به پیش‏بینی«بانک بین‏المللی‏ توسعه و بازسازی»هشداردهنده است.به گزارش این بانک‏ انتظار میرود کسری تراز پرداختهای کشورهای درحال‏ توسعه تا 1995 به 276 میلیارد دلار افزایش یابد.باید خاطرنشان کرد که بدهیهای در حال افزایش این کشورها نیز در 1983 به مبلغ نجومی 700 میلیارد دلار رسید.

برخی از مقامات غربی ادعا می‏کنند که مسابقه‏ تسلیحاتی بر میزان رشد اقتصادی و شالوده اجتماعی‏ کشورهای درحال‏توسعه تاثیر منفی جدی خواهد گذاشت. اما درواقع هزینه‏های تسلیحاتی در کشورهای درحال‏ توسعه بیش از کشورهای پیشرفته موجب ضرر و زیان‏ میگردد.هرقدر اقتصاد و پایه‏های صنعتی ضعیف‏تر باشد سنگینی بار مسابقه تسلیحاتی بیشتر احساس میگردد و زیانهای بیشتری را بر اقتصاد ملی وارد میسازد.مسابقه‏ تسلیحاتی در کشورهای درحال‏توسعه موجب برهم خوردن‏ تعادل هرچه بیشتر اقتصاد این کشورها شده و ساختمانهای‏ ضعیف اجتماعی و اقتصادیشان را به بدترین شکل تغییر میدهد.

اکنون حتی فقیرترین کشورهای جهان که دچار بحرانی‏ترین شرایط اقتصادی و اجتماعی میباشند،جزو خریداران اسلحه هستند.

چنین برآورد شده است که صرف هردلار در جهت مقاصد نظامی بوسیله این کشورها منجر به 25 درصد کاهش(در مقیاس پول)در میزان سرمایه‏گذاریها در اقتصاد ملی آنها میگردد.

اکنون فقیرترین کشورها حدود 6 درصد از تولید ناخالص ملی خود را جهت مقاصد مسابقه تسلیحاتی‏ صرف می‏کنند،درحالیکه فقط 1 درصد از تولید ناخالص‏ ملی این کشورها در جهت خدمات بهداشتی و 8/2 درصد در جهت آموزش‏وپرورش صرف میشود.

برخی از کشورهای درحال‏توسعه خود نیز به تنهائی به‏ رقابت تسلیحاتی روی‏آورده‏اند.بگفته انستیتو تحقیقات‏ صلح بین‏المللی سوئد اکنون سی کشور درحال‏توسعه‏ علاوه‏بر خریدهای خارجی،خود نیز به تولید روی‏آورده‏اند. برپایه گزارش این موسسه درحال‏حاضر 16 کشور درحال‏ توسعه هواپیما،20 کشور کشتی جنگی،8 کشور موشک و پنج کشور نفربر زرهی تولید می‏کنند.

برخی از کارشناسان غربی ادعا می‏کنند که گسترش‏ مسابقه تسلیحاتی در کشورهای درحال‏توسعه موجب راه‏ یافتن تکنولوژی پیشرفته در اقتصاد این کشورها میگردد. به بیان دیگر آنها می‏گویند مسابقه تسلیحاتی و پیشرفت‏های‏ علمی و تکنولوژیکی دو مرحله جدائی ناپذیرند.لکن این‏ ادعا با حقیقت فاصله زیادی دارد.

تجربه در برخی از کشورهای درحال‏توسعه ثابت‏ می‏کند که مسابقه تسلیحاتی بسیار بیش از آنچه صنایع‏ دیگر لازم است،به تمرکز سرمایه،ایجاد شرکت‏هائی با تکنولوژی بالا و نیروی کار ماهر نیاز دارد.و تمام این‏ها به‏ بهای تضعیف و انهدام تولیدات غیرنظامی تمام می‏شود. آنچه که مورد بحث می‏باشد دو نوع صنعت است:صنایع‏ نظامی پیشرفته و صنایع غیرنظامی عقب‏مانده.صنایع جنگی‏ دارای طبیعی محدود و بسته است.این صنایع بطور مستقیم‏ در درون سیستم اقتصاد ملی کشورهای درحال‏توسعه به‏ مثابه تشکیلاتی مستقل و به‏عنوان عاملی بازدارنده در مقابل صنایع دیگر قرار می‏گیرد و این بحث‏ها که مسابقه‏ تسلیحاتی موجب پیشرفت علمی و تکنولوژیکی می‏گردد بی‏پایه است.

مسابقه تسلیحاتی در جهان سوم

کشورهای درحال‏توسعه با صرف 6 درصد از تولید ناخالص‏ ملی خود برای مقاصد مسابقه تسلیحاتی میزان رشد اقتصادی‏ خود را بین 6/1 درصد تا 1/2 درصد کاهش می‏دهند.

این امر فاصله اقتصادی بین غرب و کشورهای درحال‏ توسعه را به‏مراتب بیشتر می‏کند.

با آغاز دهه 1980 درآمد سرانه در کشورهای صنعتی‏ سرمایه‏داری به 22 برابر درآمد سرانه در کشورهای درحال‏ توسعه(به‏جز کشورهای نفت‏خیز)رسید.

به‏علاوه مسابقه تسلیحاتی در کشورهای درحال‏توسعه‏ مستلزم یک نیروی فنی و کارآمد است.سطح تکنولوژیکی‏ صنایع نظامی،به نسبت صنایع غیرنظامی،در بسیاری از موارد در کشورهای درحال‏توسعه اعجاب‏انگیز است.

مسابقه تسلیحاتی بطور کلی در جهت مقاصد سازنده‏ توسعه نمی‏یابد.اما ماهرترین و کارآمدترین کارگران، تکنسین‏ها و مهندسین که می‏توان با استفاده از آنها در صنایع غیرنظامی به بهترین نتایج دست یافت به خدمت‏ مسابقه تسلیحاتی گرفته می‏شوند.

برخی از کارشناسان غربی معتقدند که سرمایه‏گذاری در مسابقه تسلیحاتی موجب از میان بردن بیکاری و یا دست کم‏ عامل بازدارنده بیکاری است.اما درواقع عکس این امر صادق است و سرمایه‏گذاری در مسابقه تسلیحاتی نه تنها سطح بیکاری را کاهش نخواهد داد،بلکه در مجموع عاملی‏ برای افزایش بیکاری است.

مجله«اشپیگل»چاپ آلمان چنین برآورد کرده است که‏ اگر یک میلیارد دلار در جهت مسابقه تسلیحاتی سرمایه‏ گذاری شود حدود 75 هزار نفر به کار دست خواهند یافت.

درحالیکه با همین میزان سرمایه‏گذاری در حمل‏ونقل‏ حدود 92 هزار نفر،در صنایع ساختمانی صد هزار نفر،در خدمات‏ بهداشتی 139 هزار نفر و در آموزش‏وپرورش 187 هزار نفر به کار اشتغال خواهند یافت.برپایه برخی برآوردها،با کاهش 30 درصد در هزینه‏های نظامی در آمریکا و اختصاص دادن آن به صنایع غیرنظامی می‏توان به میزان‏ 1/2 درصد از بیکاری در این کشور کاست.

بنابراین با توجه به عواقب نامطلوب مسابقه تسلیحاتی‏ برای اقتصادهای پیشرفته،می‏توان دریافت که این امر در اقتصاد کشورهای درحال توسعه زیان‏آورتر است و موجب‏ رکود اقتصادی و ایجاد مانع در راه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی برای این کشورها می‏گردد.هزینه تسلیحات در جهان روزانه بالغ‏بر 1500 میلیون دلار است.

امروزه،هرفردی چنانچه ارقام وحشتناک تسلیحات‏ سالانه را مطالعه کند،به این نتیجه می‏رسد که جهان کنونی‏ در مرحله‏ای از پرتگاه سقوط قرار گرفته و بنابر ادعای‏ موسسه تحقیقات استراتژیک در لندن علی‏رغم انبوه‏ مشکلات اقتصادی که طبیعتا باید از سطح مخارج نظامی‏ بکاهد هزینه اسلحه و تجهیزات در سال 1983 به‏تنهایی رقم‏ 89 میلیارد دلار را به خود اختصاص داد.یکسال پیش از انتشار این گزارش،انستیتوی مطالعات و تحقیقات صلح‏ بین‏المللی در استکهلم گزارشی انتشار داد که بموجب آن‏ هزینه نظامی جهان در هردقیقه یک میلیون دلار است.

این رقم بسیار بالاتر از کل بودجه‏های تخصیص یافته‏ برای برنامه‏های توسعه در کشورهای درحال رشد جهان سوم‏ \*در سال 1978 نیمی از کسری بودجه تمام‏ کشورهای درحال‏توسعه ناشی از مسابقه تسلیحاتی‏ بود.

\*اگر یک میلیارد دلار در مسابقه تسلیحاتی سرمایه‏گذاری شود،حدود 75 هزار نفر بکار اشتغال پیدا می‏کنند.با همین سرمایه‏گذاری در حمل‏ونقل‏ 92 هزار،در صنایع ساختمانی 100 هزار،در خدمات بهداشتی 139 هزار و در آموزش‏وپرورش 187 هزار نفر به کار مشغول خواهند شد.

است و انچه که این موسسات را به انتشار چنین امار و گزارشاتی وامی‏دارد سیر صعودی ارقام هزینه‏های‏ تسلیحاتی و خطرات آن است.در این ضمن انستیتوی‏ مذکور مجبور می‏گردد نتایج وخیم سیاسی اقتصادی این‏ پدیده را به همه کشورها چه آنهایی که اسلحه می‏خرند و چه‏ آنهایی که آن را تولید و به فروش می‏رسانند هشدار بدهد.

سازمان ملل نیز که متوجه این عارضه تسلیحاتی شده‏ است چندی پیش گزارشی تحت عنوان«نتایج اقتصادی و اجتماعی مسابقه تسلیحاتی»منتشر نمود که در آن آمده بود در جهان امروز بیشتر از 60 میلیون نفر در زمینه‏های‏ مختلف نظامی مشغول بکار میباشند که این رقم برابر با مجموع کل نیروهای مشغول به کار در کشورهای اروپایی‏ صنعتی پیشرفته است.از جنبهء دیگر ایالات متحده که‏ بزرگترین کشور تجاری جهان است نخستین و نیرومندترین‏ کشور صادرکننده سلاح نیز بشمار می‏آید.در این‏باره مرکز پژوهشهای کنگره آمریکا در ژوئیه سال گذشته در گزارشی‏ اعلام کرد که ارزش فروش تجهیزات آمریکا به کشورهای‏ خارجی در سال 1982،بالغ‏بر 7/9 میلیارد دلار در مقابل‏ 8/7 میلیارد دلار برای شوروی در همان سال بوده است. توجه داریم که این ارقام شامل دستگاه‏های دیگر با تجهیزاتی مانند لباس،وسائل نقلیه و یا مخارج ساختن‏ پایگاهها و غیره که خود بالغ‏بر میلیاردها دلار می‏گردد نبوده و جزء امار سالانه فروش مستقیم سلاح به‏شمار نمی‏آید.برخی‏ از دست‏اندرکاران،افزایش فروش اسلحه آمریکایی را به دو عامل نسبت می‏دهند.نخست موضع‏گیری دولت ریگان است‏ که معتقد است فروش سلاح وجهی مشروع و اساسی از روند سیاست خارجی است وعامل دوم کاهش عمومی‏ تجارت اسلحه جهانی است.گزارش کنگره آمریکا اضافه‏ می‏کند ارزش قراردادهای فروش اسلحه‏ای که کشورهای غیر کمونیست امضاء کرده‏اند به نسبت 3 به یک از کشورهای‏ کمونیست بیشتر بوده است و مجموع ارزش قراردادهای‏ نظامی آمریکا در سال 1983 اجمالا بالغ‏بر 3/18 میلیارد دلار بوده است.اما در خصوص سال 1984،رویتر در سال‏ 1985 به نقل از پرونده‏های وزارت دفاع آمریکا گزارش داد که واشنگتن معادل 6/14 میلیارد دلار سلاح و تجهیزات به‏ هم‏پیمانان و کشورهای دولت خود فروخته است.

خاورمیانه اولین وارد کننده‏های اسلحه

منظور از هم‏پیمانان واشنگتن،کشورهای غربی است‏ اما کشورهای دوست،کشورهای هم‏پیمان غیراروپایی‏ هستند که در درجه نخست کشورهای خاورمیانه را دربر می‏گیرد.در سال 1984 ترکیه مقام اول را کسب کرد و بزرگترین خریدار سلاح‏های آمریکایی به‏حساب آمد.در حالیکه عربستان سعودی پس از افزایش قابل‏توجه‏ خریدهایش از انگلستان،فرانسه،برزیل،ایتالیا،اسپانیا به‏ مرتبه دوم نزول کرد و خریدهای تجهیزاتی نظامی آن از آمریکا این‏بار به دستگاه‏های فرماندهی و کنترل ارتباطات‏ محدود شده است که ارزش آن برابر با 3 میلیارد دلار بالغ‏ می‏گردد.درحالیکه ارزش خرید آن از آمریکا در سال 1983 بالغ‏بر 9/1 میلیارد دلار بوده است.در این لیست کشور مصر مقام چهارم را داراست و کشور هلند سوم است. واردات سلاح‏های آمریکایی قاهره که در سال 1983 به‏ ارزش 722 میلیون دلار بوده در سال 1984 بالغ‏بر یک‏ میلیارد دلار می‏گردد که اساسا شامل تانگ،توپ و موشک‏ است.اما واردات نظامی اسرائیل از آمریکا درحالیکه در سال 1983 معادل 5/2 میلیارد دلار بوده در سال 1984 به‏ 8/1 میلیون دلار تنزل پیدا کرد.این از جهتی به اطمینان‏ اسرائیل نسبت به توازن نیروهای نظامی در منطقه باز می‏گردد که برتری او را تضمین نموده است و از جهتی‏ مربوط به دشواری‏های بزرگ اقتصادی مبتلا به آن است.به‏ اضافه اینکه اسرائیل بیشتر بر هدیه نظامی سالانه‏ای که از واشنگتن به صورت ثابت به او می‏رسد و ارزش آن 4/2 میلیارد دلار است تکیه دارد.روی هم رفته منطقه عربی‏ همسایه با اسرائیل و نیز منطقه خلیج فارس از بزرگترین‏ مصرف‏کنندگان سلاح به‏شمار می‏روند.درواقع در یک‏ جمله می‏توان گفت که در جهان امروز تجارت اسلحه هم‏ سیاست است و هم اقتصاد.